

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: نفیض احمد  
برگردان از: آمادور نویدی  
۰۹ مارچ ۲۰۱۸

## دست عمو سام پشت ناآرامی ها در ایران



وزارت امور خارجه ترمپ بیش از ۱ میلیون دالر جهت ایجاد ناآرامی ها در ایران هزینه کرده است!

اسناد و مدارک نشان می دهند که امیال تغییر رژیم ایران تحت پوشش برنامه های «ترویج دموکراسی» دنبال می شود!



در روزهای پایانی سال ۲۰۱۷، ده ها شهر ایران، از جمله تهران پایتخت، با اعتراضات خودبه خودی روبرو شد که تا سال نو میلادی (۲۰۱۸) ادامه داشت. اعتراضات توجه را به شرایط بغرنج اقتصادی کشور، همراه با رکورد نقض بی پایان حقوق بشر رژیم می کشاند.

آن ها همچنین راه را جهت اعلان پرزیدنت ترمپ در ۱۲ جنوری هموار کردند که این «آخرین شانس» برای لغو تحریمات هسته ئی امریکا تحت قرارداد هسته ئی با ایران

است که تا ۶۰ روز دیگر، چنانچه «عیب های مصیبت بار» قرارداد درست نشود، امریکا کنار می کشد.

شماری از اسناد رسمی اخیر، از تحقیقات کنگره ئی گرفته تا گزارشات کمک های مالی خارجی امریکا، بر رویکرد دولت ترمپ پرتوافشانی جدید می کند. این اسناد آشکار می سازند که دولت امریکا همچنان در صدد است که در ایران

تغییرات عمده سیاسی ایجاد نماید تا کشور را به مدار منافع امریکا بکشاند. این شامل امکان بهره برداری از ناآرامی های سیاسی و بحران های دیگر – از جمله بحران رو به افزایش آب است – که افکار عمومی را علیه رژیم بکشاند. ناآرامی های ایران اغلب توسط همگرانی بحران های اکولوژیک محلی (زیست محیطی داخلی)، انرژی و اقتصادی تحریک شده اند. وزارت امور خارجه امریکا به دنبال بهره برداری از این بحران ها بوده است تا با تأمین مالی از گروه های اپوزیسیون و همچنین پخش برنامه های رادیویی/تلویزیونی ضد رژیم که سر به ده ها میلیون دالر می زند، مشروعیت رژیم را تضعیف نماید.

یکی از منابع مالی وزارت امور خارجه امریکا برای مثال، به پروژه استفاده از بحران روبه افزایش آب در ایران ارجاع می دهد تا خشم عمومی را علیه «سوء مدیریت» رژیم برگرداند. تا به امروز، رکورد دولت امریکا نشان می دهد که دولت ترمپ بیش از ۱ میلیون دالر، حداقل از سال ۲۰۱۶ جهت تأمین مالی فعالیت های ضد رژیم در درون ایران هزینه کرده است.

هر چند این سیاست جدیدی نیست. اگرچه، از سال ۲۰۰۶، دولت های پی در پی امریکا ده ها میلیون دالر در سال جهت تلاش برای «ارتقاء دموکراسی» در ایران سرمایه گذاری کرده اند، که به عنوان پوششی برای امیال درازمدت «تغییر رژیم» خدمت می کنند.

بخش عمده برنامه های رسانه ای که توسط وزارت امور خارجه امریکا تأمین مالی می شود، جهت تجلیل و تعریف از سلطنت شاه ایران، دیکتاتور وحشی مورد حمایت امریکا و انگلیس متمرکز شده است که توسط انقلاب ۱۹۷۹ خلع شد. به نظر می رسد که تبلیغات، با بسیاری از شرکت کنندگان اعتراضات اخیر اثر کرده است، که خواهان برگشت پسر تبعیدی شاه، رضا (نیم) پهلوی به قدرت در ایران هستند.

حقیقت آشکار: اسناد جدید دولت امریکا آشکار می سازد که دولت ترمپ تلاش هایش را جهت تضعیف رژیم ایران، از طریق ترکیبی از فشارهای دیپلماتیک، تجاوز نظامی، تحریمات اقتصادی و ادامه تأمین مالی گروه های اپوزیسیون داخلی تشدید کرده است.

### نظامی کردن ستراتیژی ایران

دو سند کنگره که اوایل سال گذشته، و یکی که درست قبل از اعتراضات منتشر شده اند، نور روشنی بر سیاست تشدید مشکلات دولت ترمپ در ایران می افشاند. اسناد گزارشات تحقیقاتی منتشر شده توسط سرویس تحقیقاتی کنگره توسط کنیث کاتزمن نوشته شده است، که تحلیل گر سابق سیا و متخصص در امور ایران، عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس است.

سند «سیاست دفاعی و خارجی ایران» به تاریخ ۶ فیرووری سال ۲۰۱۷، شرح می دهد که چگونه اعلامیه دولت ایران را «به طور رسمی زیر نظر» گذاشته است و می تواند نشان دهد که «دولت جدید باید قوانین رسمی امریکا را تغییر دهد تا در حوادث آینده شامل استفاده از نیروی مرگبار گردد».

تصمیم دولت جهت «حداقل حفظ، اگر نه افزایش، روابط دفاعی با جی سی سی [کشورهای شورای همکاری خلیج]» نیز «جهت تلاش امریکا برای مقابله با ایران مهم هستند»:

«دولت ترمپ... به توصیف صفات اختصاصی قبلی از ایران به عنوان یک دشمن برگشته است که فعالیت های بدخیم و آزمایشات راکت های بالیستیک باید با پاسخ های امریکا تلافی شود».

این سند هشدار می‌دهد که تشدید فشار غیرمستقیم امریکا می‌تواند منجر به شکست پیش‌گیرانه توافق نامه هسته‌ئی موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)) گردد... اقدام نظامی جهت مقابله با حمایت ایران از حوثی‌ها در یمن، یا علیه کشتی‌های ایرانی در خلیج فارس - می‌تواند منجر به گسترش درگیری‌های نظامی شود که باعث پایان برجام می‌گردد.

این سند ظرفیت جهت تشدید فعالیت نظامی جهت مقابله با ایران به رهبری رژیم‌های حوزه خلیج فارس را نیز نشان می‌دهد:

«عواملی که می‌توانند ایران را مجبور به تغییر سیاست خارجی کنند می‌توانند شامل گسترش یا نهادینه کردن ائتلاف کشورهای سنی مذهب به رهبری سعودی باشند که ممکن است به شکست جنبش‌ها و دولت‌های مورد حمایت ایران موفق گردد».

در سند دیگر کنگره نوشته شده توسط کاتزمن با عنوان «ایران، حقوق بشر، و سیاست امریکا»، به تاریخ ۱۷ فبروری سال ۲۰۱۷، در باره تلاش‌های دولت ترمپ جهت تشدید فشار بر ایران جزئیات بیشتری را ارائه می‌دهد.

تحت عنوان «گزینه‌های نظامی»، سند اشاره می‌کند که مانند اوباما، پرزیدنت ترمپ «ظرفیت اقدام نظامی علیه ایران» را بر روی میز حفظ نموده است، اما به طور قابل توجهی به این گزینه نزدیک تر گردیده است:

«دولت ترمپ موضعی اعلام نکرده که آیا به دنبال تغییر رژیم ایران هست یا نه، اما توصیف او درباره ایران به عنوان دشمن امریکا می‌تواند اشاره کند که چنانچه چنین موقعیت‌هایی خودشان را جهت انجام این کار نشان دهند، این دولت ممکن است از تلاش‌ها برای سرنگون کردن رژیم ایران حمایت کند».

چشم انداز: تغییر سیاست دولت ترمپ جهت حمایت از تلاش‌ها برای تغییر رژیم ایران افزایش اشتیاق را آشکار می‌سازد، و بستگی به این دارد که موقعیت‌های ژئوپولیتیک، اقتصادی و داخلی جهت انجام این کار جامعه عمل به خود بپوشاند.

### **تغییر مستقیم رژیم با «ترویج دموکراسی» غیرمستقیم**

گزارش ادامه می‌دهد و اشاره می‌کند در حالی که دولت امریکا هنوز تغییر رژیم را آشکارا دنبال نمی‌کند، اما فشار جهت تحریک برای تغییر سیاست‌های داخلی دولت ایران از طریق برنامه‌های «ترویج دموکراسی» اعمال می‌گردد:

«در غیاب پیگیری همه جانبه امریکا جهت تغییر رژیم، دولت‌ها و کنگره‌های پیاپی تحولات سیاسی را در ایران از طریق «ترویج دموکراسی» و تحریمات برای نقض حقوق بشر در ایران ترفیع داده اند».

بر اساس قانون (تدوین و تصویب قانون) کنگره، آر ال [دفترخانه دموکراسی، حقوق بشر و امور کار] و دفتر امور خاور نزدیک در مشارکت با کمک امریکا (یو اس اید)، متعهد به امور کمک مالی به «ترویج دموکراسی ایران» شده اند. برخی از این کمک‌های مالی تحت مبادلات فرهنگی، دیپلماسی عمومی، و اجرای برنامه‌های رادیویی/تلویزیونی برای ایران مورد استفاده قرار گرفته اند».

حقیقت آشکار: برنامه‌های «ترویج دموکراسی» وزارت امور خارجه امریکا به طور فعال دنبال شده است تا مشروعیت رژیم ایران را تضعیف نماید.

### **حمایت از تبلیغات ضد رژیم**

طبق اسناد کنگره، پروژه های «ترویج دموکراسی» دولت امریکا در ایران بشدت بر نفوذ از طریق اطلاعات متمرکز شده است.

پروژه ها شامل: ارائه خدمات پخش رادیوهای مخصوص ایران مانند «رادیو فردا، به فارسی» است [که] تحت رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی، و در مشارکت با صدای امریکا(وی اُ ای) در سال ۲۰۰۲ شروع شد.

رادیو فردا که در پراگ مستقر است، و ۲۴ ساعت شبانه روز پخش می‌شود و دارای ۵۹ کارمند تمام وقت است. بودجه اش تقریباً ۱۱ میلیون دلار در سال است. سند انکار می‌کند که دولت امریکا هرگونه کمکی به گردانندگان ایستگاه رادیویی تبعیدیان ایرانی ارائه داده است.

اطلاعات جمع آوری شده از صدای امریکا(وی اُ ای) تأیید می‌کنند که خدمات جداگانه فارسی، که قبلاً شبکه خبری فارسی (پی ان ان) نامیده می‌شد، «حدود ۲۰ میلیون دلار در سال هزینه برمی‌داشت». این خدمات شامل اینترنت، یک ساعت پخش برنامه رادیویی، و شش ساعت برنامه تلویزیونی در روز بوده است.

در اگست ۲۰۱۴، مقامات صدای امریکا به سرویس تحقیقاتی کنگره گفته اند که جهت نزدیک شدن به «ایرانیان جوان تحصیل کرده، ضد رژیم که به دنبال نشانه هائی از حمایت رسمی امریکا هستند» تلاش بیش‌تری صورت گرفت. از هر چهار نفر بزرگسال در ایران، یک نفر هر هفته برنامه فارسی صدای امریکا را گوش می‌دهد.

حقیقت آشکار: دولت امریکا اکنون حداقل ۳۳ میلیون دلار در سال برای تبلیغات نرم از طریق رادیو فردا و بخش فارسی صدای امریکا جهت تضعیف ایران از درون هزینه می‌کند.

### به دنبال یک «شورش»

این سند بیش‌تر نشان می‌دهد که برنامه های «ترویج دموکراسی» وزارت خارجه امریکا در ایران از سال ۲۰۰۶ گسترش یافته اند، از جمله تلاش جهت افزایش «حضور مأموریت دیپلمات‌های امریکائی که فارسی صحبت می‌کنند در اطراف ایران»، که تا اندازه ای به «ایرانیان [جهت] شرکت در برنامه های ترویج دموکراسی امریکائی کمک کنند». اوایل آن سال، وزارت امور خارجه امریکا دفتر امور ایرانیان خود را تأسیس نمود، تا کمک‌های مالی را به گروه هائی برساند که بتوانند به جناح‌های اپوزیسیون در درون ایران کمک کنند. طبق سند جدید کنگره، این دفتر، «طبق گزارشات درگیر در ارتباط با گروه های تبعیدی مستقر در امریکاست».

سند سوم کنگره توسط کاتزمن، منتشر شده در نومبر ۲۰۱۷، مشاهده می‌کند که «عوامل داخلی ایران می‌توانند سیاست خارجی ایران را تغییر دهند». در میان این عوامل، گزارش می‌گوید که:

«یک شورش در ایران یا حادثه دیگری که بتواند باعث تغییرات سیاسی رژیم شود که یا به نفع امریکا و یا در مغایرت با منافع امریکا نباشد. خروج غیرمنتظره ولی فقیه(رهبر) از صحنه می‌تواند سیاست خارجی ایران را، بسته به دیدگاه های جانشین او، بشدت تغییر دهد».

### بنیاد ملی برای دموکراسی

اضافه بر ده‌ها میلیون دلار کمک مالی سالانه برای حمایت از عملیات نفوذی از طریق برخی از رسانه های گونان و تلاش‌ها جهت پخش برنامه های رادیو/تلویزیونی، اسناد کمک مالی دولت امریکا اطلاعات بیش‌تری را در مورد کمک در تلاش برای «ترویج دموکراسی» در سال‌های اخیر نشان می‌دهند.

رکوردهای کمک مالی امریکا (یو اس اید) و وزارت امور خارجه امریکا آشکار می‌سازند که دولت ترمپ حداقل ۱،۱۴۶،۱۹۶ دلار به سازمان‌های غیردولتی (ان جی اُ) های اپوزیسیون مختلف در ایران، از سال ۲۰۱۶ تا حدودی از سال ۲۰۱۷ کمک مالی ارائه داده است.

کمک های مالی توسط وزارت امور خارجه و از طریق بنیاد ملی برای دموکراسی (ان ائی دی) ارائه گردیده است. اطلاعات کامل برای سال ۲۰۱۷ هنوز در دسترس نیست.

جهت یادآوری، این کمک‌ها به مراتب بیشتر از آنچیزیست که طبق گزارش بازی‌گران مرتبط با روسیه مجموعاً به تویتر، فیس بوک و گوگل پرداخته اند تا در انتخابات امریکا تأثیر بگذارند (حداکثر حدود ۴۴۷،۱۰۰ دلار).

بنیاد ملی برای دموکراسی یک مؤسسه غیرانتفاعی است که توسط کنگره امریکا و از طریق وزارت امور خارجه امریکا کمک مالی می‌شود، که در سال ۱۹۸۳ ابتداء جهت حمایت از جنبش‌های سیاسی خارجی ضد شوروی تأسیس شد.

اسناد از رده خارج شده یا غیرمحرمانه منتشر شده توسط کتابخانه پرزیدنت رونالد ریگان تصدیق می‌کنند که رئیس سیا ویلیام کیسی در تأسیس بنیاد ملی برای دموکراسی نقش مهمی داشته است، و آنرا به عنوان راهی جهت پوشش مشروع برای کمک مالی به گروه هائی ارائه داده است که باعث تضعیف یا سرنگونی دولت‌های خارجی دشمن منافع امریکا می‌گردد.

از جنوری ۲۰۱۷، بنیاد ملی برای دموکراسی توسط دکتر جودی شیلتون اداره شده است، که در طول مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۶ در تیم مشاوره اقتصادی ترمپ خدمت می‌کرد.

برای اکثریت قریب به اتفاق پروژه هائی که در ایران کمک مالی شده اند، اسامی سازمان‌های غیردولتی که حمایت مالی می‌گیرند، فاش نشده اند.

کمک مالی «ترویج دموکراسی» دولت ترمپ سیاست یکپارچه ای را ادامه می‌دهد که توسط دولت‌های دموکرات و جمهوری‌خواه پی در پی دنبال شده است. دولت اوپاما مجموعاً ۱،۸۰۲،۵۳۷ دلار از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ هزینه کرد. حقیقت آشکار: از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷، دولت‌های اوپاما و ترمپ مجموعاً حدود ۳ میلیون دلار (دقیقاً ۲،۹۴۸،۷۳۳ دلار) از طریق وزارت امور خارجه جهت کمک مالی به فعالیت‌های اپوزیسیون در ایران برای ترویج دیدگاهی از «دموکراسی» هزینه کرده است که هم‌راستا با منافع ستراتیژیک امریکا باشد.

### بهره برداری از ناراضیاتی شهروندان

رکورد بنیاد ملی برای دموکراسی که این پروژه ها را توصیف می‌کند، آشکار می‌سازد که کمک مالی وزارت امور خارجه امریکا جهت پروژه هائی به کار گرفته شده اند که با انواع گروه های ایرانی موجود کار می‌کند.

یک نفر مأموریت خود را «درگیر بودن با اعضای طبقه روشن‌فکر ایران در بررسی عمومی در باره چشم اندازهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک ایران دموکراتیک» توصیف می‌کند.

شخص دیگری به استفاده ابزاری از فعالیت حقوق بشری جهت «ازدیاد ارتباطات و دسترسی به اطلاعات برای فعالان ایرانی» اشاره می‌کند.

### یک پروژه به توسعه و تحکیم شبکه ای از «حقوق دانان دموکرات منش در ایران» کمک می‌کند.

پروژه دیگری می‌گوید اهدافش «گالوانیزه کردن- به جنب و جوش انداختن شهروندان جهت فشار برای شفافیت و پاسخ‌گویی بیشتر» است، و باز هم یکی دیگر توضیح می‌دهد که دریافت کنندگان کمک مالی مستقر در ایران « جهت

اداره نظارت بر روند سیاسی در سطح جامعه از طریق یک برنامه آموزشی متمرکز، به توانائی شهروندان ایرانی کمک می‌کند».

چشم انداز: الگوی ثابت با همه پروژه های «ترویج دموکراسی» با حمایت مالی وزارت امور خارجه امریکا در ایران اینست که آنها مشکلات واقعی را هدف قرار می‌دهند که شهروندان ایران مواجه می‌شوند، اما از آنها بهره برداری می‌کنند تا مشروعیت رژیم را تضعیف نمایند.

یک پروژه بنیاد ملی برای دموکراسی که توسط وزارت امور خارجه در سال ۲۰۱۶ کمک مالی شده است، برای مثال، به دنبال بهره برداری از گسترش بحران آب است تا دشمنی با دولت را افزایش دهد. طبق بنیاد ملی برای دموکراسی، هدف پروژه اینست:

«جهت شرکت در اعتراضات ضددولتی، مردم را با ابتکاراتی بسیج کند که هدفش پایان دادن به سوء مدیریت گسترده آب توسط مقامات محلی و سرتاسری است. فعالیت‌های این پروژه باعث افزایش آگاهی جامعه مدنی و عمومی از نقشی می‌شود که سوء مدیریت مقامات از آب در شرایط خشک‌سالی کنونی بازی کرده است و تلاش می‌کند تا این مشکل را برای بحث و جدل در حوزه سیاسی عمومی ترفیع دهد».

مؤسسه (ستابلیشمنت) سیاست خارجی امریکا در چند سال گذشته از نزدیک و به طور جدی تأثیر بحران آب ایران را زیر نظر داشته است. یک مقاله علمی امریکائی اخیر، برای مثال، از مشاهدات کاردان ارشد امریکا از شورای آتلانتیک و مؤسسه بروکلین گزارش می‌دهد، که نفوذ قابل توجهی بر گفت‌وگو سیاست خارجی امریکا دارد.

تحلیل‌گران به دانش‌مندان امریکائی گفته اند در حالی که دست‌مزدهای پائین عامل اصلی پشت اعتراضات بود، اما عدم اعتماد به رهبران سیاسی، و سقوط مؤسسات مالی (که بیش‌تر آنها توسط ادامه تحریمات مورد حمایت امریکا تقویت شده اند)، محرک اصلی از جمله اثرات تغییرات آب و هوائی است.

ایران از دهه ۱۹۹۰ چرخه ای از تشدید خشک‌سالی های مفرط را تجربه کرده، که عمدتاً توسط تغییرات آب و هوائی تحریک شده، اما با سوء مدیریت آب توسط مقامات تشدید گشته است. این امر (سوء مدیریت آب) بر تولید محصولات تأثیر گذاشته است، زندگی کشاورزان و دهقانان روستائی را متأثر نموده و نرخ بالای بی‌کاری کنونی را برای افراد جوان بدتر کرده است، در حالی که حتی دولت با قطع زیاد سوبسیدها (یارانه ها) در پاسخ به پریشانی های رو به رشد اقتصادی واکنش نشان داده است.

### **پیش‌بینی می‌شود که شرایط خشک‌سالی تحت بیزنس طبق معمول پروژه های آب و هوائی بدتر شود.**

درضمن، تحت بودجه جدید ایران قیمت سوخت تا ۵۰ درصد افزایش می‌یابد، پرداخت‌های رفاهی برای ۳۰ میلیون ایرانی قطع می‌شود، در حالی که حمایت از مؤسسات مذهبی و وابسته به روحانیون افزایش می‌یابد. تغییرات آب و هوائی، به عبارت دیگر، مسیر اقتصادی غیرقابل تحمل و بی ثبات کنونی را تشدید می‌کند.

چشم انداز: نقش کمک مالی وزارت امور خارجه امریکا در بهره برداری موفقیت آمیز از بحران‌های داخلی گوناگون ایران – از چالش های آب و هوائی/زیست محیطی و اقتصادی گرفته، تا سوء استفاده سیستماتیک از حقوق بشر ایران – نباید اغراق شود. حتی طبق گفته وزیر اطلاعات ایران، «نمی‌توان گفت که کل وضعیت توسط خارجی ها هدایت شده بود».

باید اذعان نمود که، رکوردهای کنگره و وزارت امور خارجه امریکا مدارک واضحی از تلاش های دائمی امریکا جهت سوء استفاده از شکایات داخلی در ایران و برای تضعیف رژیم از درون است.

## استفاده از حقوق بشر جهت ترویج رژیم سلطنتی

در حالی که دولت امریکا معمولاً از رکورد نقض بی پایان حقوق بشر ایران به عنوان توجیهی برای تلاش‌های ضد رژیمی خود استفاده می‌کند، اتحادش با رژیم‌های ناقض حقوق بشر مشابه خلیج فارس مانند عربستان سعودی - جهت منزوی و تضعیف رژیم ایران - این نیت را بی اعتبار می‌سازد که سیاست امریکا واقعاً با ملاحظات بشردوستانه یا دمکراتیک تحریک شده است.

منافع درازمدت امریکا در ایران خالصانه در یادداشت پژوهشی (۱) سال ۱۹۷۷ منتشر شده توسط انستیتوی مطالعات ستراتیژیک دانشکده جنگ ارتش امریکا، در آن زمان توسط تحلیلگر ابتکار خدمات انتخابی - منافع ستراتیژیک امریکا در ایران و عربستان سعودی (اس اس آی) و متخصص در امور ایران، دکتر روبرت قباد ایرانی تألیف و تصنیف شده است.

«از نظر جمعیت، منابع، زمین و ظرفیت قدرت، ایران و عربستان سعودی دو مرکز اصلی قدرت در منطقه خلیج فارس باقی می‌مانند، که ایران به روشنی در موقعیت برجسته قرار دارد. سرمایه اصلی ایران و عربستان سعودی در ذخایر عظیم نفتی و تولید عظیم الجثه نفت آن‌ها خوابیده است. منطقه خلیج فارس تقریباً ۷۰ درصد ذخایر نفت شناخته شده جهان غرب را تشکیل می‌دهد و در حال حاضر حدود ۳۰ درصد از عرضه نفت سالیانه جهان غرب را تولید می‌کند. ایران و عربستان سعودی تولیدکنندگان اصلی اند.»

یادداشت ادامه می‌دهد که نیاز جهت حمایت امریکا از یک براند ویژه از رهبری حامی غرب را برجسته نماید:

«در کمال مطلوب، هردو امریکا و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی باید درک شان از تغییرات سریع و پیچیده ای که در منطقه خلیج فارس اتفاق می افتد، بهبود بخشند. آن‌ها باید متقابلاً توافق کنند که رهبران معتدل (میان‌رو)، واقع بین (عمل‌گرا)، و دورنگر (زرنگ) منطقه را تشویق کنند.»

یادداشت سرنگونی محمد مصدق، نخست وزیری را که به صورت دمکراتیک انتخاب شده بود جشن می‌گیرد، و تأسف می‌خورد از این‌که دولت مصدق «ملی شدن شرکت نفتی آنگلو ایرانی» را تصویب کرد؛ و به «بازگشت به قدرت» رژیم سلطنتی، شاه را که قبلاً عزل شده بود، خوش آمد می‌گوید - که اکنون ما می‌دانیم، توسط کودتای حمایت شده از طرف ام آی ۶ و سیا به صورت مخفیانه رهبری شده بود.

طبق گزارش عفو بین الملل در سال ۱۹۷۵، ایران زمان شاه «دارای بالاترین میزان مجازات مرگ در جهان را داشت که، هیچ سیستم قانونی و معتبر از دادگاه مدنی نداشت و سابقه شکنجه فراتر از باور آدمی است». این برای ستراتیژی امریکا مسأله ای به شمار نمی‌رفت.

روزنامه اس اس آی ارتش امریکا گفت: «تهران و ریاض، با حمایت غرب، نقش تعیین کننده ای در حفظ تعادل قدرت حامیان رژیم های سلطنتی در منطقه خلیج فارس بازی می‌کنند». «تازمانی که این دو قدرت بزرگ منطقه میان‌رو، حامی غرب، و ضدکمونیسم باقی بمانند، تعادل قدرت در منطقه خلیج فارس همچنان به نفع غرب باقی می‌ماند.»

دو سال بعد این دیدگاه امریکا به طور قابل توجهی تحت تأثیر انقلاب ۱۹۷۹ ایران عوض شد.

بررسی پنتاگون که در اواخر سال ۲۰۱۷ منتشر شده است، و توسط سایت اینسرج فاش شد (۲)، به طور مشابهی تصدیق کرد که دلیل واقعی خصومت امریکا نسبت به «نیروهای انقلابی» مانند ایران یا کوریای شمالی کمترین رابطه ای با هرگونه تهدید به غرب دارد، اما بیش‌تر آنست که آن‌ها «نه محصول، و نه راضی با نظم معاصراند». مشکل اصلی اینست که آن‌ها جلوی توسعه طلبی امریکا را گرفته اند:

«حداقل، آن‌ها تصمیم گرفته اند که از رسیدن نظم به رهبری امریکا در چیزی که آن‌ها به عنوان حوزه نفوذ قانونی خود می بینند جلوگیری نمایند. آن‌ها همچنین عزم کرده اند که آن نظم را به صورت محلی با قانون جدیدی که به وسیله آن‌ها دیکته شده جای‌گزین سازند».

اما تکیه امریکا به سوی راه حل‌های غیردمکراتیک کاهش نیافته است. در اوایل سال ۲۰۱۷، پسر شاه سابق، رضا (نیم) پهلوی، برای ایران و از طریق صدای امریکا و رادیو فردا که توسط دولت امریکا حمایت مالی می‌شوند، سخن پراکنی کرد (۳)، و از ایده «تغییر رژیم به شیوه مسالمت آمیز»، و از طریق اعتراض و نافرمانی مدنی حمایت نمود (۴).

پخش چنین برنامه های غربی شاه دوستانه اگر هم باشد (۵)، انتقادات کمی از سرکوب ها و نابرابری دوران تاریخی را ارائه می‌دهد، به جایش آن‌را به عنوان گذشته پرشکوه رمانتیک می‌کند.

(نیم) پهلوی قبلاً به طور رسمی برای ترمپ نامه (۶) نوشته و پیروزی وی را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ تبریک گفته است.

در تظاهرات اخیر، بسیاری از اعتصاب کنندگان در سراسر ایران شعارهای شاه دوستانه (۷) می‌دادند و خواهان بازگرداندن حکومت سلطنتی بودند، مانند: «رضا شاه، راحت بخواب- روح شاد»، «چه اشتباهی کردیم که انقلاب کردیم»، و «شاه را برگردانید».

چشم انداز: فعالیت‌های «ترویج دمکراسی» امریکا در ایران دارای تمایلات شاه دوستانه است که منجر شده بسیاری از معترضان خواهان بازگشت سلطنت شوند. این نشان می‌دهد که تبلیغات امریکا تا درجه ای در ترغیب احساسات بخش قابل توجهی از معترضان موفق بوده است.

## راه پیش رو

دولت ترمپ رویکردی نسبت به ایران اتخاذ کرده است که به نظر می‌رسد هدفش تضعیف – و در نهایت سرنگونی رژیم حاکم را طراحی کرده است، تا ستراتیژی نظامی بیشتری را توجیه کند. به نظر می‌رسد که هسته ترکیب اصلی این ستراتیژی ایجاد توجیهی جهت جلوگیری از توافق هسته‌ئی با ایران است.

این رویکرد، به هر حال، تنها تنش را تشدید می‌کند، ایران را تشویق می‌کند که فعالیت‌های دمکراتیک و گروه‌های اپوزیسیون داخلی را تحت بهانه ای که آن‌ها توسط امریکا حمایت مالی می‌شوند، به طور وحشیانه ای سرکوب نماید. این رویکرد همچنین منطقه را که هم اکنون در حالت شکننده و هرج و مرج است، تهدید به بی‌ثباتی بیشتری بکند، و ما را گامی نزدیک‌تر به سوی یک درگیری هسته‌ئی بکشاند.

به نظر نمی‌رسد که دولت امریکا درس عبرت گرفته باشد که نمی‌توان دمکراسی را از خارج تحمیل نمود.

اقدام: تحریمات امریکا و اثرات مخرب آن‌ها بر اقتصاد ایران را می‌توان قبول و بررسی کرد. این امر می‌تواند بیش‌تر با تحقیقات کل مجلس یا سنا در ابعاد کامل از ستراتیژی امریکا نسبت به ایران از زمان انقلاب ۱۹۷۹ همراه گردد تا مشخص شود که چگونه این سیاست شرایط را بدتر کرده است.

البته در غیاب تغییری مهم از طرف امریکا، کشورهای دیگر می‌توانند – با توجه به حفاظت علیه تسریع بدتر شدن امنیت بین‌المللی – اهرم روابط خود را با امریکا تغییر دهند.



اقدام: متحدان و شرکای امریکا در اروپا و فراتر از آن می‌توانند فشار دیپلماتیک و اقتصادی بر امریکا وارد سازند تا از تلاش‌های خود جهت نقض توافق هسته‌ی ایران عقب‌نشینی نماید، نظمی که حداقل عدم ظهور برنامه‌ی سلاح‌های هسته‌ی ایرانی را اثبات می‌کند.

ایران، به همان اندازه، موفق به درک (این نکته) نشده است که تشدید تلاش‌های دراکونیایی (سختگیرانه) اش علیه افکار عمومی و احساسات مشروع ضد رژیم در داخل کشور تنها باعث تحریک ناراضی‌مخالفان می‌شود.

اقدام: ایران می‌تواند دستگاه پولیسی دولت داخلی خود را بررسی کند و عقب‌بکشد، پاسخ‌گوی رکورد نقض حقوق بشر مخوف خود باشد، و در ترمیم طرز برخورد با شهروندانش مسؤلیت‌پذیری را آغاز کند. دولت با تلاش جهت نجات ادعای خود به عنوان یک «جمهوری»، می‌تواند راه را برای درگیر ساختن آشکار و فعال‌تر بین گروه‌های اپوزیسیون و تشکیلات سیاسی باز نماید.

به عبارت دیگر، ایران موفق به درک و مدیریت فشار هم‌گرایی اقتصاد داخلی، بحران انرژی و زیست محیطی نشده است.

اقدام: مقامات ایران می‌توانند به ملل متحد، یا آژانس دیگری مأموریت دهند، که یک بررسی مستقل در سطح گسترده در باره سوءمدیریتی انجام دهند که منجر به تشدید بحران آب کشور شده است، که براساس تراژیدی بیزنس طبق معمول منجر به سازماندهی مجدد جامع شرکت‌های کشاورزی و صنعتی کشور گردد که منجر به ایجاد سیاست‌های پایدار آب، همچنین کاهش اثرات آب و هوایی و تلاش‌های انطباقی بیشتر گردد.

جنبش جامعه مدنی دمکراتیک ایران باید، در عوض، متوجه چگونگی اپوزیسیون مشروع نسبت به گرایش‌های مستبدانه رژیم باشد که به طور فعال توسط نیروهای خارجی بهره‌برداری می‌شود، کسانی که اهداف ژئوپولیتیک خودخواهانه آن‌ها می‌تواند کل خاورمیانه را بی‌ثبات سازد.

طنز روزگار البته اینست که، با پیروی دولت امریکا از دستور کار ضدایران خود در ائتلاف با برخی از غیر دمکرات‌ترین نقض‌کنندگان حقوق بشر منطقه، رژیم‌های ترمیمی و ایران هر روز بیش‌تر شبیه هم می‌شوند.

### درباره نویسنده:

دکتر نفیض احمد سردبیر بنیان‌گذار سایت اینسرج اینتلیجنس است. نفیض به مدت ۱۶ سال روزنامه‌نگار تحقیقی سابق گاردین بوده است، جایی که بحران‌های ژئوپولیتیک اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را گزارش داده است. گزارشات نفیض درباره «تغییر سیستم جهانی» برای وایس مادر بورد، و ژئوپولیتیک برای چشم خاورمیانه (میدل ایست آی) است. او در روزنامه‌های ایندیپندنت (مستقل یکشنبه)، اسکاتمن، و سیدنی مورنینگ هرالده (ایچ سن)، سیاست خارجی، آتلانتیک، کوارتز، نیویورک آیزورور، نیو استیمن (سیاست‌مدار جدید)، پروسپکت (چشم انداز)، لوموند دیپلماتیک و... قلم زده است. او دویار برنده جایزه پروژه سانسور جهت گزارشات تحقیقاتی خود گردیده است؛ دویار در لیست ۱۰۰۰ نفر از تأثیرگذارترین لندن‌ها؛ ستاندارد غروب (ستاندارد ایونینگ) نمایان شده است و برنده جایزه ناپلز، معتبرترین جایزه ادبیات ایتالیا است که توسط پرزیدنت جمهوری ایجاد شده است. نفیض همچنین به طور گسترده ای مقالات آکادمیک (دانشگاهی) بین رشته‌ای منتشر کرده است که متخصص در تجزیه و تحلیل سیستم‌های پیچیده و بغرنج است.

نفیض احمد، روزنامه‌نگار تحقیقی، ترمیم (بهبود) آکادمیک، ردياب بحران‌های تمدن است:

[patreon.com/nafeez](https://patreon.com/nafeez)

این مقاله ابتداء توسط سایت میدیوم منتشر شد.

<https://medium.com/insurge-intelligence/trumps-state-department-spent-over-1m-in-iran-to-exploit-unrest-c8878ec7fa2a>

منابع:

(۱)-

<http://www.dtic.mil/dtic/tr/fulltext/u2/a512229.pdf>

(۲)-

<https://medium.com/insurge-intelligence/pentagon-study-declares-american-empire-is-collapsing-746754cdaebf>

(۳)-

<https://www.youtube.com/watch?v=zH984B35180>

(۴)-

<https://en.radiofarda.com/a/prince-reza-pahlavi-exclusive-interview-Iran-election/28509013.html>

(۵)-

<http://foreignpolicy.com/2018/01/12/a-london-television-station-has-convinced-iran-the-shah-was-great/>

(۶)-

[https://www.huffingtonpost.com/reza-pahlavi/please-remember-the-iranian-people\\_b\\_12914514.html](https://www.huffingtonpost.com/reza-pahlavi/please-remember-the-iranian-people_b_12914514.html)

(۷)-

<https://www.telegraph.co.uk/news/2018/01/14/iranian-protesters-calling-return-shah/>

برگردانده شده از:

### **Trump's State Department Spent Over \$1m in Iran to Exploit Unrest**

Documents reveal 'regime change' aspirations pursued under cover of 'democracy promotion' programs

**By Nafeez Ahmed**

<http://www.informationclearinghouse.info/48628.htm>